

اللَّهُمَّ احْمَدُكَ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبانشناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی

تحلیل دستوری و محتوایی رشن یشث

استاد راهنما :

خانم دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور :

خانم دکتر فرزانه گشتاسب

پژوهشگر :

مریم رشنو

شهریور ماه ۱۳۹۵

این پژوهش پس از هدایت و عنایت پروردگار مهربان، وامدار زحمات سرکار خانم دکتر زهره زرشناس و سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب است. به این وسیله سپاس صمیمانه خود را از حمایت‌های این دو بزرگوار ابراز می‌دارم. همچنین از جناب آقای دکتر ابوالقاسمی که مهربانانه داوری این رساله را پذیرفتند سپاسگزارم. به علاوه در فرآیند نگارش این متن، همواره از یاری همسر عزیزم، علی حاتمیان نیز بهره‌مند بوده‌ام که در اینجا از او نیز تشکر می‌کنم.

چکیده فارسی

یشت دوازدهم اوستا موسوم به «رشن یشت» به ستایش و بزرگداشت «رشن» ایزد عدالت و راستی اختصاص دارد. رشن یشت از جمله یشت‌های کوچک است که در دوره متأخر تدوین شده، اما درباره تاریخ دقیق تدوین این یشت نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد. این یشت فاقد زند و مشتمل بر ۳۸ بند است که برخلاف دیگر یشت‌های اوستا به کرده دسته‌بندی نشده است. در تصحیح انتقادی متن اوستایی رشن یشت، گلدنر از ۱۰ نسخه خطی Pt1.E1, F1, O3, P13, L18, K12, J18, J10, W2, MI2 استفاده کرده است.

نام رشن در اوستای قدیم، اعم از گاهان و یسن هفت‌ها دیده نمی‌شود اما پنج بار در یسنا مورد ستایش قرار گرفته است. براساس ارد یشت (۱۷/۱۶)، رشن پسر اهورامزدا و سپندارمذ و برادر سروش، مهر، اشی و دئنا به شمار می‌رود. نقش اصلی او که در اوستا و رشن یشت بر آن تأکید شده حضور در مراسم وَر (اوستایی - varah) است که در بندهای نه تا سی‌وهفت از رشن یشت به یاری فراخوانده می‌شود. در بندهای ۳ تا ۷ رشن یشت به برخی از ورها از قبیل وِر آتش (اوستایی - tar)، وِر برسم (اوستایی - bar sman)، وِر [دست] پر لبریز (اوستایی - p r n - v ž raiei t -)، وِر روغن (اوستایی - rao nii) و شیره گیاهان (اوستایی - zuit - uruuar) اشاره شده است. در بندهای پنجاه و چهار و پنجاه و پنج از فرگرد چهارم وندیداد نیز به گونه خاصی از مراسم وِر شامل نثار آب گوگردار برای اثبات بی‌گناهی اشاره شده که در آن از رشن و مهر نام برده می‌شود.

مهمترین نقش ایزد رشن در متون فارسی میانه حضور او در کنار مهر به عنوان یکی از داوران روانِ درگذشتگان است. این ایزد دارای ترازوهای زرد زرین است که کارهای نیک و بد هر فرد را اندازه می‌گیرد.

در اوستا و نوشته‌های فارسی میانه، سه ایزد رشن، مهر و سروش سه‌گانه‌ای جدانشدنی را تشکیل می‌دهند که تا روز رستاخیز برای داوری همواره در کنار هم هستند و یشت‌ها و روزهای متعلق به آنها نیز در کنار یکدیگر قرار گرفته است.

فهرست مطالب

پنج	چکیده فارسی
۱	کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها
۲	پیش‌گفتار
	فصل نخست
۴	۱-۱. رشن
۱۵	۲-۱. دست‌نویس‌های رشن یشث
۱۸	۳-۱. رشن یشث (یشث دوازدهم)
۲۱	۴-۱. پیشینه پژوهش
	فصل دوم
۲۳	۱-۲. متن اوستایی
۲۹	۲-۲. حرف‌نویسی متن اوستایی
۴۹	۳-۲. برگردان فارسی
۵۸	۴-۲. یادداشت‌های برگردان فارسی
۷۵	۵-۲. سخن پایانی
	فصل سوم
۷۷	۱-۳. واژه‌نامه
۱۱۹	۲-۳. کتابنامه
	چکیده انگلیسی

فهرست جدول‌ها

۶۶	جدول ۱-۲
۶۹	جدول ۲-۲
۷۳	جدول ۳-۲

کوتاه‌نوشت‌ها :

ا.: اسم

ب.: بار تلمه (Altiranisches Wörterbuch)

پ.ف.: پیشوند فعلی

ح.ا.: حرف اضافه

ح.ر.: حرف ربط

س.: ستاک

صت: صفت

ص.: صفحه

صت.ض.ا.: صفت-ضمیر اشاره

ض.: ضمیر

ف.: فعل

ق.: قید

ک.: کلنز (Liste du Verbe Avestique)

م.: موصول

نشانه‌ها

+ تصحیح

*مفروض

() توضیح

[] اضافه

← نگاه کنید

پیش‌گفتار

یشت در زبان فارسی از ریشه *yaz-* (فارسی باستان *yad-*، سانسکریت *yaj* و هندواروپایی **ia*) به معنی ستودن، پرستیدن و قربانی کردن مشتق شده است. یشت‌ها یکی از بخش‌های بااهمیت اوستا هستند و به سرودهایی اطلاق می‌شوند که خطاب به ایزدان و در ستایش ایشان و خدایان قدیم ایرانی سروده شده‌اند. برخی از این ایزدان مانند میثره و هوم منشأ پیش‌زرتشتی دارند و برخی دیگر ایزدان ایرانی هستند. این قسمت از اوستا از ۲۱ بخش تشکیل شده است. همه یشت‌ها از نظر قدمت یکسان نیستند. برخی از آنها در دسته یشت‌های کهن و دسته‌ای دیگر در زمره یشت‌های جدید قرار می‌گیرند. «رشن یشت» عنوان یشت دوازدهم کتاب اوستا است و در ستایش ایزد «رشن» سروده شده است. رشن یشت از جمله یشت‌های کوچک است که در دوره متأخر تدوین شده و دارای سی‌وهشت بند است. رشن فرشته عدالت و داوری است و برای اجرای عدالت در سراسر جهان مسکن دارد. او فرشته‌ای آیینی است و در بسیاری از آیین‌های زردشتی مانند آیین کفن و دفن مردگان و آیین ور برای این ایزد مراسمی برگزار می‌شود. این ایزد بر سر پل چینوت به همراه مهر و سروش و هنگام گذار به بهشت در فرشگرد، روان درگذشتگان را داوری می‌کند. ترازوی سنجش در این روایت، همواره در دست رشن است و از این جهت همیشه با صفات راستی، عدالت و دادگری توصیف می‌شود.

پژوهش حاضر شامل پیش‌گفتار و سه فصل است. در فصل نخست، به تفصیل درباره معنی و اشتقاق نام رشن، پیشینه ستایش این ایزد و کارکردهای او در اوستا و متون فارسی میانه، ایزدان همراه و کارکردهای مشابه این ایزد در متون ودایی و ایلامی/عیلامی بحث شده است. سپس به دست‌نویس‌ها و پژوهش‌های پیشین شامل ترجمه‌های این یشت به زبان‌های لاتین و فارسی اشاره و در نهایت به معرفی رشن یشت، ساختار آن و روش کار پرداخته شده است. فصل دوم متن اوستایی رشن یشت ویراسته گلندر، حرف‌نویسی متن به روش هوفمان، برگردان فارسی و نیز یادداشت‌های برگردان فارسی شامل اختلاف ترجمه‌های اوستاشناسان، نظر اوستاپژوهان در خصوص اشتقاق و معنای برخی واژه‌ها و نیز توضیحات و یادداشت‌هایی درباره ساخت و معنی واژه‌های دشوار اوستایی را در بر می‌گیرد. به اختلاف نسخه‌ها در پانویس حرف‌نویسی متن اوستایی اشاره شده است. فصل سوم نیز دربرگیرنده واژه‌نامه اوستایی به فارسی این یشت و کتابنامه است. در واژه‌نامه، به ریشه ضعیف افعال اشاره شده است؛ علاوه بر این صفات فاعلی و مفعولی ذیل ریشه و نیز در ردیف الفبایی خود آمده است. مقوله دستوری و معنای هر واژه در برابر ماده و صورت‌های صرفی با ذکر حالت صرفی زیر ماده آمده و در هر مورد با شماره بند و بسامد آن واژه و نیز صفحه‌ای که واژه در فرهنگ بارتمه آمده مشخص شده است. در مورد افعال برای دقت بیشتر به کتاب *liste du verbe avestique* اثر ژان کلنز نیز مراجعه شده است.

فصل نخست

۱-۱. رشن

نام رشن در متن‌های اوستایی به صورت-*rašnu* با صفت *razišta* آمده است. به لحاظ اشتقاق واژگانی، رشن (اوستایی-*rašnu*) از ریشه نیا هندواروپایی^۱ «*h₃re*» به معنی «هدایت کردن و درست کردن» مشتق شده (Kümmel and Rix, 2001: 304) و به همراه پسوند ماده‌ساز اولیه *-nu* آمده است. بار تلمه آن را صفت به معنای «عادل» و اسم مذکر تحت عنوان «ایزد عدالت و دادگستری» ترجمه کرده است (Bartholomae, 1904: 1516). گرشویچ نیز در بند ۷۹ مهریشت دو فرضیه برای ترجمه عبارت *rašnuš dai e ma an m yahm i rašnuš dar i* همان ایزد رشن در نظر گرفته شود و «رشن» ترجمه شود و دیگر اینکه براساس بند ۱ کرده ۱۶ ویسپرد، در عبارت *rašnuš , tarš ci r sca rašnušca yazamaide* حالت رایبی جمع در نظر گرفته و «داوران» ترجمه شود (Gershevitch, 1967: 223). اما پیرار نظر متفاوتی در این خصوص دارد و با در نظر گرفتن معنای «جهت‌دهی» برای واژه رشنو، آن را بیان درست متون آیینی می‌داند (Pirart, 2009: 221).

در زبان اوستایی، این واژه از ریشه *raZ* به معنی «مرتب ساختن، ترتیب دادن، نظم دادن و راست کردن» مشتق شده است. ریشه *raZ* خود مشتق از هندواروپایی^۲ **re* (هندی باستان *rāji ha*) به معنی «مرتب کردن یا آراستن» است (نیز ← Pokorney, 1959: 1376). از جمله واژه‌های مشابه در دیگر زبان‌ها نیز می‌توان به کلمه لاتین *regere* به معنی مرتب کردن، منظم کردن، آراستن نیز از همین ریشه اشاره کرد (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۱۴۵۵). علاوه بر این، مهرداد بهار با تردید معنی لغوی *rašnav-* را تقوی یا درخشش عنوان کرده است (بهار، ۱۳۷۵: ۸۳).

گلدمن با اشاره به متن‌های اوستایی به زبان سانسکریت بر این باور است که نام ایزد رشن در متون مذکور به صورت *rašna-* آمده که قابل تأویل به *satyapati* خدای راستی است (Goldman, 2015: 24).

نام رشن در اوستای قدیم، اعم از گاهان و یسن هفت‌ها دیده نمی‌شود اما پنج بار در یسنا مورد ستایش قرار گرفته است (یسن ۷/۱، یسن ۷/۲، یسن ۵/۱۶، یسن ۱۲/۶۵، یسن ۳/۷۰). بنا به نظر پورداود «هر چند که رشن یکی از ایزدان بزرگ است اما اطلاعات ما در خصوص وی نسبتاً کم است» (یشت‌ها: ۵۶۱).

برای بررسی دقیق و طبقه‌بندی صفات و کارکردهای منتسب به رشن، اشارات زرتشتی به این ایزد در قالب دو دسته متن مطرح شده؛ به این صورت که شواهد مرتبط با واژه و ایزد رشن در متون اوستایی و فارسی میانه ارائه شده است. به علاوه در ادامه به طور مختصر به کارکردهای مشابه این ایزد در متون هندی باستان و ایلامی/عیلامی پرداخته شده است.

Proto-Indo-European

² Indo-European

رشن در اوستا

پیش از این که به جایگاه رشن در متون اوستایی بپردازیم باید اشاره مختصری به جایگاه این ایزد در اندیشه‌های پیش‌زرتشتی داشته باشیم. براساس تحلیل پژوهشگران حوزه اساطیر هندواروپایی، یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های این فرهنگ این بوده است که هر نیروی ناپیدا را عینی تصور کنند. در حقیقت مردم روزگار باستان آن چه را ما تجریدی می‌انگاریم، نوعی نیرو و توانایی می‌پنداشتند. به طور مثال «عدالت» یا «شهامت» را نوعی نیرو و توانایی می‌پنداشتند. اما چگونگی تبدیل این توانایی‌ها به امور الهی و پرستش آنها بر ما پوشیده است (بویس، ۱۳۷۴: ۴۵).

برخی یافته‌ها نشان می‌دهد که رشن از جمله ایزدانی بوده که پیش از زرتشت نیز سابقه پرستش داشته است. در نبود نظریه‌ای قطعی در خصوص دین هخامنشیان، محققان اشارات موجود به برخی از ایزدان را در دوره هخامنشی با ادیان پیش‌زرتشتی مرتبط می‌دانند و از این رو رشن را نیز از ایزدان پیش‌زرتشتی قلمداد می‌کنند. پژوهشگرانی مانند بنونیست^۱ به نام‌هایی همچون Rašnuk(k)a و Rašnudad در دوره هخامنشیان اشاره می‌کنند که از آشنایی مردمان آن دوران با این ایزد حکایت دارد (Benveniste, 1966: 91)؛ همچنین مطابق گزارش هلک^۲، Rašnuk(k)a در گل‌نشته‌های ۱۵۰۹، ۱۹۵۶، ۱۹۶۹^۳ و Rašnudad در گل‌نشته‌های ۳۳۵ و ۲۰۰۳^۴ تخت جمشید وجود دارند (Hallock, 1969: 150, 423, 560, 577, 605). به علاوه مالاندرا^۵ نیز به نام‌های تئوفوریک^۶ در گل-نشته‌های باروی تخت جمشید اشاره می‌کند که نام این ایزد در آنها دیده می‌شود. به نظر او از اشتقاق و شیوه کاربرد برخی اسامی مانند Rašnuka, Rašnud ta, Rašnubar(a) چنین برمی‌آید که رشن ظاهراً ایزدی متعلق به ایرانیان باستان بوده است (Malandra, 1983: 78).

به طور کلی در اوستای قدیم نشانی از ستایش ایزد رشن به چشم نمی‌خورد. اما وجود عبارتی در یسن^۷ ۴۶ و همراهی مهر و رشن در کنار یکدیگر ممکن است طنینی برای نام این ایزد در اوستای قدیم باشد. در اوستای جدید، نام این ایزد در کنار دیگر ایزدان زرتشتی آمده است و یشت دوازدهم اوستا نیز بدو اختصاص دارد.

در یشت دوازدهم، رشن تشخیص می‌یابد و با صفاتی از قبیل پاک (اوستایی -ašauuan)، راست‌ترین (اوستایی -razišta)، مقدس‌ترین (اوستایی -spəništa)، داناترین (اوستایی -va išta)،

¹ Benveniste

² Hallock

³ PF 1509: 2, PF 1956: 3, PF 1969: 19

⁴ PF 335:7, PF 2003: 2

⁵ Malandra

از ریشه یونانی theoforetos به معنی دربرداشتن نام یک خدا. سبکی در نامگذاری است که در آن نام خدا یکی از اجزای نام شخص به شمار می‌رود. این سبک نامگذاری در میان اقوام بابل و آشور باستان دیده می‌شود، نام‌هایی چون آشور بانی‌پال (=آشور فرزند را آفرید). این شیوه در میان فنیقی‌ها، عبری‌ها و اعراب نیز با نام‌هایی چون هانیبال (لطف بعل)، عبدا... (بنده خدا) وجود داشته است. در ایران نیز اسامی مانند مهرداد ظاهراً از همین ساختار برخوردارند.

نگاه کنید به یسن ۴۶، بند ۵. عبارت مذکور این است: ... mi r ibii v rašn ...

گزیننده‌ترین (اوستایی -vi išta)، بهترین پرتاب‌کننده از دور (اوستایی -parakauuist ma)، از دور بسیار بیننده (اوستایی -d ra dar št ma)، اجراکننده قانون (اوستایی -ar amat.bairišta) و فروزننده دزدان (اوستایی -t iuu- nija ništa) ستوده می‌شود. به طور کلی با بررسی متون اوستایی می‌توان کارکردهای متفاوت این ایزد را در قالب چهار گروه اصلی طبقه‌بندی کرد^۱:

۱. نقش اصلی او که در اوستا و رشن یشت بر آن تأکید شده حضور در مراسم وَر (اوستایی -varah) است که در بندهای نه تا سی و هفت از رشن یشت به یاری فراخوانده می‌شود. در بندهای پنجاه و چهار و پنجاه و پنج از فرگرد چهارم و نندیداد نیز به گونه خاصی از مراسم وَر شامل نثار آب گوگردار برای اثبات بی‌گناهی اشاره شده که در آن از رشن و مهر نام برده می‌شود. وَر اصطلاحی است که به نوعی آزمایش آیینی اشاره می‌کند که توسط محاکمه‌شونده برای اثبات حقانیتش به کار گرفته می‌شود. در بند سه رشن یشت، اهورمزدا با زرتشت درباره چگونگی انجام وَر سخن می‌گوید.^۲

در دینکرد به سی و سه گونه آزمون وَر یا داوری ایزدی اشاره شده است که البته امروزه از چگونگی انجام گرفتن بیشتر آنها آگاهی نداریم. اما در بندهای ۳ تا ۷ رشن یشت به برخی از ورها از قبیل وَر آتش (اوستایی -tar)، وَر برسم (اوستایی -bar sman)، وَر [دست] پر لبریز (اوستایی -p r n - zuit - uruuar) و وَر روغن (اوستایی -rao nii) و شیر گیاهان (اوستایی -zuit - uruuar) اشاره شده است. پورداود عقیده دارد که «منظور از ذکر این ورها آن است که مردمان باید در امتحانات سخت و محاکمات خطرناک، نجات خود را در ذکر کلام مقدس بدانند [...] و به فرشته عدل و انصاف متوسل شوند تا پیروزی و رستگاری نصیب آنها شود.» (یشت‌ها: ۵۷۳) در یشت دوازدهم اشاره شده که رشن بزرگ توانا همراه با بادِ پیروز (اوستایی -v ta- v r r jana)، دامویش اوپمن^۳ (اوستایی -d m iš upamana)، فرّه کیانی (اوستایی -kauuaiia- xvar nah) و سود مزداآفریده (اوستایی -saoka- mazda ita)، به یاری آن کس که آنها را در وَر فراخواند می‌آیند. (یشت ۱۲/۶)

۲. نقش دیگری که براساس متون اوستایی می‌توان برای رشن متصور شد، جنگاوری و حضور و ستایش این ایزد در نبردها است. در مهر یشت (۱۰/۴۱)، رشن در کنار مهر و سروش درهم‌افکننده صفوف رزم تصویر می‌شود. در ادامه در بند ۱۲۶ همین یشت، گردونه مهر توصیف می‌شود که رشن در سمت راست و چیستا در سمت چپ مهر به جنگ دیوان، پیمان‌شکنان و انگره مینو می‌روند. توصیفات

لئون گلدمن در کتاب خود درباره رشن یشت، به سه مورد نخست از این کارکردها اشاره کرده است. (Goldman, 2015:28) درباره وَر یا ساخت پژوهش‌های زیادی انجام شده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص نک به ویسپرد به گزارش شادروان پورداود، صفحات ۱۲۰-۱۲۲؛ نیز مقاله Trial by ordeal in Ancient Iran نوشته J. C. Tarapore در یادنامه پروفیسور جکسن تحت عنوان Prof. Jackson Memorial Volum صفحات ۱۹۸-۱۸۷.

^۳ نیبرگ با اشاره به برخی بندهای مهریشت و فروردین یشت و صفات و نقش‌های مشترک دامویش اوپمنه و ورثرغنه آنها را یکی می‌داند (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۷۶)

دیگری از این دست در فروردین یشت و بهرام یشت وجود دارد. در فروردین یشت (۱۳/۴۷)، رشن همراه با فروهرهای توانای پاکان، مهر، دامویش اوپمن و باد پیروزگر به میان سپاهیانی که با یکدیگر درنبردند می‌روند و یاری‌بخش گروهی هستند که فروهرها را از روی باور، با اندیشه هوشیار و ضمیر مومن می‌ستایند. در بهرام یشت (۱۴/۴۷) نیز به همراهی رشن، مهر و بهرام در میان جنگاوران در رزم اشاره شده است. علاوه بر این، برخی صفات همچون بهترین مانع (اوستایی -upa.rao išta) (۱۰/۱۲۶)، بهترین پرتاب‌کننده از دور (اوستایی -parakauuist ma) (۱۲/۷) و بلندپایه نیرومند (اوستایی -bar z- amauua t) (۱۷/۱۶) که رشن با آنها ستوده می‌شود نیز گویای وجه جنگاوری او هستند.

۳. علاوه بر وجه داوری و حضور در رزم، می‌توان نقش اجتماعی دیگری را برای این ایزد متصور شد. مطابق این کارکرد، ایزد رشن در کنار برجیه (اوستایی -b r jiia) ایزد موکل دانه‌ها و غلات و نمایه (اوستایی -nm niia) ایزد موکل خانه نقشی مشابه آنها ایفا می‌کند.^۱ این نتیجه‌گیری بر این اساس صورت پذیرفته است که در یسنا (۱/۷) رشن با صفت راست‌ترین در کنار اشهین^۲ اشون، برجیه و نمایه و همراه با سروش و ارشئات^۳ ستوده می‌شود. از این رو می‌توان او را نیز در کنار آن دو ایزد با کارکردهای اجتماعی خانواده مرتبط دانست.

۴. در کنار این موارد، مطابق برخی از متون، رشن در نگهبانی و محافظت از گیتی و آفریدگان اهورامزدا نیز مشارکت دارد. او در سراسر جهان اعم از هفت کشور، دریای فراخکرد، سرچشمه و دهانه رود ارنگ (اوستایی -ra ha)، همه جای زمین، بر فراز کوه البرز و هوکر، در بلندترین نقطه کوه البرز، در همه افلاک (وند، تیشتر، هفتورنگ، ستارگان آب‌چهر، ستارگان زمین‌چهر، ستارگان گیاه‌چهر، ستارگان سپند مینو، ماه و خورشید)، در روشنایی‌های بی‌پایان (اوستایی -ana ra.raocah)، بهشت (-vahišta- ah) و گرودمان (-gar .nm na) منزل دارد. براساس مهر یشت (۱۰۰-۱۰/۹۵)، مهر و سروش و رشن شبانگاهان در زمین می‌گردند و اهریمن و خشم و دیوان و دروجان از برابرشان می‌گریزند. از رشن یشت چنین برمی‌آید که این ایزد یاری‌دهنده بی‌گناهان و از بین‌برنده دزدان و راهزنان است.

برخلاف متون فارسی میانه که نقش اصلی رشن، به عنوان یکی از داوران در فرجام‌شناسی فردی پس از مرگ برجسته است، در رشن یشت هیچ اشاره مستقیمی به خویشکاری او به عنوان یکی از داوران روز رستاخیز نشده است؛ البته به نظر می‌رسد می‌توان اشاراتی را که در این یشت به آیین ور شده با موارد اشاره به رودخانه‌ای از فلز گداخته در گاهان (یسن ۵۱/۹، ۳۲/۷، ۳۰/۷) مرتبط دانست؛

^۱ گرشویچ نیز به مضمون مشابهی اشاره کرده است. (Gershevitch, 1967: 223)

این ایزد موکل بر صبح‌گاه است. هنگامی که نور خورشید دیده می‌شود اما هنوز خورشید به چشم نمی‌آید وظیفه او به هوش داشتن مردمان است.

ارشئات/اشتاد ایزدبانوی راستی و درستی است. او به عنوان حامی و نگهبان تعهدات اجتماعی، هم پیمان ایزد مهر است. روز بیست و ششم هر ماه اشتاد روز نام دارد.

چراکه مطابق متن گاهان، افراد باید از رودخانه فلز مذاب عبور کنند تا نیکوکاران سالم از آزمایش به درآیند. فرآیندی که به آزمایش متهم برای اثبات حقانیتش در آزمون ورّ شباهت بسیاری دارد.

همراهان رشن

در اوستا سه ایزد رشن، مهر و سروش سه‌گانه‌ای جدانشدنی را تشکیل می‌دهند. این سه ایزد تا روز رستاخیز برای داوری همواره در کنار هم هستند و یشت‌ها و روزهای متعلق به آنها نیز در کنار یکدیگر قرار گرفته است. نکته جالب توجه این است که در رشن یشت هیچ ذکری از مهر و سروش همراهان همیشگی این ایزد به میان نیامده است.

نوشته‌های فارسی میانه نیز موارد مکرری از همراهی این سه ایزد را نشان می‌دهند. به طور مثال، مطابق دینکرد سوم

«چشم مرد پارسا، از راه چشم با خوب‌چشمی خورشید دومین است و هم‌سازگار با ایزد است؛ گوش مرد پارسا، از راه گوش، زمانی که در خوب‌نیوشیدن همچون سروش هم‌سازگار با ایزد است؛ زبان مرد پارسا، و از راه زبان، زمانی که در راست‌گفتاری هم‌تراز رشن است، هم‌سازگار با ایزد است.» (کتاب سوم دین‌کرد، دفتر اول: ۱۰۳)

علاوه بر این سه‌گانه مشهور که در متون اوستایی و فارسی میانه به دفعات دیده می‌شود، نام رشن در کنار ایزدان دیگری نیز آمده است؛ ترکیب‌های سه تایی که نشان از همراهی این ایزد با دیگر ایزدان دارد. نام رشن در کنار مهر و ورثرغنه در بهرام یشت (۱۴/۴۷)، سروش و ارشتات در یسن ۱/۷ و یسن ۲/۷ و ارشتات و کلام راستین (اوستایی - aršux a- vacah) در رشن یشت (۱۲/۳۸) به کار برده شده است. به علاوه، در کنار ترکیب‌های سه‌تایی نام ایزد رشن در برخی منابع اوستایی و فارسی میانه در کنار سه ایزد دیگر در قالبی چهارگانه ذکر شده است. به طور مثال، در فروردین یشت (۱۳/۳) رشن با اهورامزدا، مهر و سپنتا آرمئیتی همراه است، در مهر یشت (۱۰/۱۲۶) ترکیب رشن، مهر، چیستا و دامویش اوپمن به کار رفته است و در بندهش نیز رشن در کنار اشتاد، زامیاد و مرداد و همچنین همراه با سروش، اشتاد و زامیاد دیده می‌شود (بندهش: ۴۹، ۱۱۶).

البته رشن در برخی ترکیب‌های پنج‌تایی از ایزدان نیز حضور دارد؛ چنان‌که در یسن ۶۵/۱۲ رشن، سروش، مهر، آذر و اپام نپات در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، در یسن ۷۰/۳ نام رشن، سروش، مهر، باد، دئنا در کنار یکدیگر آمده است، در یشت ۱۲/۶ به همراهی رشن، باد، دامویش اوپمن، فره کیانی و سود مزدا آفریده اشاره شده است، در دادستان دینی (۳۰/۱۰) نام رشن، اورمزد، بهرام، مهر و سروش ذکر شده است و در ارداویراف‌نامه (۵/۳) به رشن، مهر، وای به، بهرام و اشتاد به صورت یک گروه از ایزدان اشاره شده است. همچنین براساس ارد یشت (۱۷/۱۶)، رشن پسر اهورامزدا و سپندارمذ و برادر سروش، مهر، اشی و دئنا به شمار می‌رود.

رشن در نوشته‌های فارسی میانه

نام رشنو در نوشته‌های فارسی میانه به صورت «رشن» همراه با صفت r st آمده است. مطابق بندهش، رشن سیزدهمین ایزدی است که آفریده شده است (بندهش: ۳۷). کارکردهای رشن در متون فارسی میانه نیز مانند متون اوستایی قابل دسته‌بندی است. این نقش‌ها قابل مقایسه با کارکردهای این ایزد در متون اوستایی هستند و البته در گذر زمان تغییراتی داشته‌اند. براساس متون فارسی میانه می‌توان نقش‌ها و کارکردهای رشن را در قالب شش گروه اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱. نخستین کارکرد ایزد رشن در متون فارسی میانه ظاهراً ادامه نقش این ایزد به عنوان داور و ر در متون اوستایی است. بنا به گزارش گلدمن، این کارکرد رشن در وجرکرد دینی و دینکرد مورد اشاره قرار گرفته است. (Goldman, 2015: 29)

۲. اما در کنار کارکرد پیش‌گفته، مهمترین نقش ایزد رشن در متون فارسی میانه حضور او در کنار مهر به عنوان یکی از داوران روان درگذشتگان است. این ایزد دارای ترازوهای زرد زرین (tar z g zard zarr n) است که کارهای نیک و بد هر فرد را اندازه می‌گیرد. این ترازو به هیچ سمتی، نه به سوی کارهای نیک و نه به سمت کارهای بد، نه برای ایزدان و نه برای دیگر قانونگذاران متمایل نمی‌شود. به گزارش نوشته‌های فارسی میانه، ترازوی رشن به اندازه سر مویی جابجا نخواهد شد و هیچ‌گونه جانبداری در آن نخواهد بود. بر سر پل چینوت، مهر و سروش و رشن به عنوان داوران روز جزا حضور دارند و محاکمه شخص در حضور آنها انجام می‌شود. اعمال در ترازوی رشن سنجیده و تصمیم‌نهایی در مورد نیکوکاران و بدکاران و کسانی گرفته می‌شود که کرفه و گناهشان یکسان است. اگر کارهای نیک فرد بیشتر باشد به بهشت و اگر کارهای بد او بیشتر باشد به دوزخ رهنمون خواهد شد. ترازو در فرهنگ همه اقوام به عنوان نماد سنجش، عدالت و تعادل شناخته شده است. در بافت اجتماعی، ترازو نشان‌دهنده قدرت شاهانه است و همچنین به عنوان نماد قضاوت، نشان‌دهنده عدالت

¹ rašn r z pad w nag dr zan h ud fr ft r h n kunišn ud k r xwurdag kam un n wuzurg w š hand z ud saxwan dr fradom n n r st paym n g g wišn ud az war warzišn h ud s gand xwarišn h h pahr zišn.

در روز رشن، به هیچ آیین دروغ‌زنی و فریفتاری نکن و کار خرد کم و کار بزرگ بیش اندازه. نخست سخن دروغ مگو و سخن راست میانه [گو] و از ور و سوگند خوردن بپرهیز.

² abar gar n win h h s gand dr xward... tar kardan-iz mihr sr š ud rašn r y škeft bgat-pety rag xw š tan zan ud frazand ud xw stag gar n puhl xw š ruw n paywastan.

بر گناهکاری گران سوگند دروغ خورد... برای خوار شمردن مهر، سروش و رشن، تازش شگفت اهریمن به تن، زن، فرزند و دارایی خویش کیفر گران به روان خویش پیوستن.

الهی است. در دین زرتشتی نیز ترازو ابزار سنجش اعمال و نمادی از عدالت و سنجش دادگرانه است و موکل این ترازو رشنِ راست است. (شوالیه و گبریان، ۱۳۷۸: ۳۳۸)

در مینوی خرد، پرسش ۱ بندهای ۱۱۸ تا ۱۲۲ درباره رشن و همراهانش در روز واپسین آمده است: «[...] و با میانجیگری مهر و سروش و رشن. رشن عادل [اعمال او را] می‌سنجد؛ با ترازوی مینوی که به هیچ سوی گرایش ندارد؛ نه برای مؤمنان و نه برای کافران، نه برای فرمانروایان و نه اندازه تار مویی منحرف نمی‌شود و آزرَم ندارد (=ملاحظه نمی‌کند) و سرور و فرمانروا را با خردترین مردم در داوری یکسان به شمار می‌آورد» (مینوی خرد: ۱۲). ارداویراف نیز رشن را هنگام عبور از پل چینوت چنین توصیف می‌کند: «...من ارداویراز دیدم رشنِ راست را که ترازوی زرد زرین به دست داشت، [کارهای] اهلوان و دروندان را اندازه می‌گرفت.» (ژینیو، ۱۳۹۰: ۵۳)

در بندهش، علاوه بر داوری پس از مرگ، نظارت بر داوری این جهانی نیز از وظایف رشن است که پیوند میان کارکرد رشن در دو دوره اوستایی و میانه را (به عنوان داورِ ور) نشان می‌دهد. او مینوی راستی است که با صفت بی‌خواب توصیف شده است. بنا به روایت بندهش «رشن مینوی راستی است که این آنچه را نافریتگی است سامان داده است. زیرا از مینوی راستی است که دیوانِ نابودگر آفریدگان گیتی را نمیرانند. [رشن] روان مردمان را نیز به گناه و کرفه آمار کند. چنین گوید که « داور [چون] داوری دروغ کند، رشن آن جا را جای [مناسبِ خویش] نبیند.» (بندهش: ۱۱۶)

در بندهش همچنین اشاره می‌شود که چینوت پل^۱ (=پل جداکننده) به مانند دو بازوی ایزد رشن است که یک بازوی آن در بن البرز در شمال و بازوی دیگر در سر البرز در جنوب قرار دارد. پس از گذشتن سه شب اول پس از مرگ، روان را تا بن کوه البرز می‌برند تا از آن پل عبور کند و به اوج آن قله برسد. براساس این روایت، شانه‌های ترازوی عدالت ایزد رشن، که در پهلوی یوغ خوانده می‌شود، رشته کوهی است که یک سر آن در شمال زمین و سر دیگر آن در جنوب زمین به کوه البرز، که پیرامون زمین است می‌چسبد و شاهین آن ترازو، چگاد دائیتی است که درست در میانه این رشته کوه قرار دارد. (بندهش: ۱۲۹)

همچنین در کتیبه‌های دوره ساسانی نیز اشاراتی در این زمینه دیده می‌شود. به طور مثال در کتیبه کرتیر در سرمشهد آمده است که او با شهریاری مواجه می‌شود که ترازویی در دست دارد. محققان بر این باورند این شهریار همان رشن است که وظیفه سنجش اعمال مردمان پس از مرگ به عهده اوست (Gignoux, 1991:75). به علاوه استودانی در حوالی شهر سبز ازبکستان یافت شده است که در ردیف بالای آن موجودات الهی و نیز رشنِ ترازودار حضور دارند. به نظر می‌رسد این تصویر مربوط به چهارمین روز پس از مرگ است که در آن رشن در حال آمارِ روان است؛ در همان حال

پل چینوت در باور زرتشتی گذرگاه میان دو کفه ترازوی رشن ایزد است.

موبدی برسم به دست و پنم به دهان برای متعادل کردن ترازو دست بر کفهای نهاده که روان در آن است.^۱ (Grenet, 2013: 98-99)

۳. نقش دیگری که در برخی متون فارسی میانه به آن اشاره شده، نقش ایزد رشن در رویدادهای پایان جهان است. بنابر زند بهمن یسن، رشن راست به همراه مهر فراخ چراگاه، سروش دلیر، بهرام نیرومند، اشتاد پیروزگر و فره دین مزدیسنان، پشوتن گشتاسپان^۲ را در پایان جهان یاری می‌دهند. (راشد محصل، ۱۳۷۰: ۱۵) علاوه بر این در مینوی خرد، به مینوی عدالت، که به هیچ کس دروغ نمی‌گوید، اشاره شده است که در پایان جهان همراه با سروش، مهر، زروان بیکران، بخت و بغ-بخت همه آفریدگان اهرمن و در پایان دیو آز را از میان می‌برند (مینوی خرد: ۲۲). در بند ۲۸ پاسخ پرسش ۳۹ از *روایت امید آشوهیشتان* نیز به مینوی دادستان اشاره شده که روح درگذشتگان توسط او حمایت می‌شود که به نظر می‌رسد می‌توان مینوی دادستان را معادلی برای ایزد رشن به حساب آورد.^۳ (روایت امید آشوهیشتان، ۱۳۷۶: ۲۳۷-۲۳۶)

۴. رشن در کنار دیگر ایزدان محافظ آفریدگان اورمزد است و در این راه با اهریمن و دیوان پیکار می‌کند. مطابق تحلیل مهرداد بهار در *پژوهشی در اساطیر ایران*

«پیدا است که هر شب اهریمن و دیوان و دروجان برای میراندن آفریدگان هرمزد از دوزخ بتازند. چون خورشید فرو شود، هرمزد، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد، مهر، سروش، رشن ایزد و ایزدان بیشتری [آیند]، کوشش و کارزار با اهریمن، دیوان و دروجان کنند.» (بهار، ۱۳۷۵: ۲۹۵)

این گزارش که بر مبنای متون پهلوی صورت گرفته است، کارکرد ایزد رشن را به عنوان نگاهبان آفریده‌های اهورامزدا نشان می‌دهد و با کارکرد مشابه در دوران اوستایی قابل مقایسه است.

۵. مطابق بندهش، رشن از ایزدانی است که در آفرینش و پرورش گیاهان شرکت دارد و همراه با اشتاد و زامیاد به امرداد یاری می‌رساند (بندهش: ۴۹). بر این اساس، اهورامزدا سه ایزد رشن، اشتاد و زامیاد را به یاری و همکاری امرداد آفرید، مینوی گیاهان را امشاسپند مرداد به پیکر مادی درآورد و همکار او در این خویشکاری ایزدان رشن، اشتاد و زامیاد بودند. از این رو همکاری رشن با مهر که آبها و

در شایست نشایست (۱۷/۴) آمده است: «[در] شب سوم، [هنگام] سحر، سه درون باید پشت: یکی [برای] رشن [و] اشتاد، دو دیگر

[برای] وای به؛ سدبگر [برای] اردافرورد...»؛ پرسش ۲۹ دادستان دینی نیز در همین زمینه است. (JaafariDehaghi, 1998: 90)

پشوتن پسر گشتاسب یکی از جاودانان در دین زرتشتی و دستیار سوشیانت است. در گنگدژ منزل دارد و در هنگام فرشگرد همراه با شاگردان خویش برای بازآرایی دین بیرون می‌آید و دشمن را از ایرانشهر باز می‌دارد.

³ *ruw n-i šudag n i m n g-i d dest n p y d. d d r abar-š d m n wistardag. uš am wand h ud z mand h har gy g rasišn g. az n-i az r gdom dušox t n-I abardom gar dm n. w n z mand ud am wand i-š az ham g gy g har kas must ud ad d h ab z d štan ud sp xtan tuw n.*

روح درگذشتگان توسط «جوهر عدالت» که آفریدگار در سرتاسر خلقتش قرار داده حمایت می‌شود و او با نیرومندی و شدت تمام به همه جا راه دارد، از اعماق دوزخ گرفته تا متعالی‌ترین جایگاه بهشت. چنان قدرتمند و محتشم است که می‌تواند هر عذاب و بی‌عدالتی را نسبت به هر کس مهار نموده و یا از وی دور سازد.

گیاهان در رکابش می‌تازند^۱، اتفاقی نیست چراکه رشن ایزدی است که در فلک ستارگان حامل نطفه گیاهان (ستارگان گیاه‌چهر) نیز حضور دارد. نکته جالب توجه این است که این سه ایزد در روز جزا بر پل چینوت نیز با یکدیگر همکاری دارند؛ هنگامی که رشن روان را آمار کند، اشتاد و زامیاد روان را به ترازو بگذرانند. می‌توان این همکاری مشترک در داوری و نگهداری از گیاهان را حاصل آمیزش باورهای آخرت‌شناختی جدید و نظرگاه‌های اسطوره‌ای پیشازرتشتی دانست که بازایی و رستاخیز انسان را براساس مشابهت با گیاهان تصویر می‌کردند.

۶. بنا بر دینکرد سوم، رشن راست‌گفتار در پشیمان کردن مردم از گناه در جهان مادی موثر است. (کتاب سوم دین‌کرد، دفتر دوم: ۲۵۷) به این ترتیب، رشن نه تنها در مقام داور روان مردگان ظاهر می‌شود بلکه به نوعی رسالت هدایت آنها را نیز بر عهده دارد و در کنار داوری سختگیرانه و بدون اغماض، پیش از مرگ تلاش می‌کند مردمان را به سوی رستگاری سوق دهد.

۷. البته در کنار پنج کارکرد اصلی بالا، می‌توان به برخی از نقش‌های فرعی ایزد رشن در متون فارسی میانه نیز اشاره کرد. این کارکردها بیشتر به عنوان روز رشن مرتبند و براساس نوعی نتیجه‌گیری غیر مستقیم به دست آمده‌اند. به طور مثال، در روایات داراب هرمزدیار آمده است که « اندر دین به پیداست که در هر ماهی پنج روز میزد کردن بر هیربدان و بهدینان فریضه است. آن پنج روز این است: مهر روز و رشن روز و بهرام روز و اشتاد روز و انیران روز. این هر پنج روز میزد البته باید کردن و میزد آن را گویند که هر کدام میوه آورند و آن میوه را در پیش زوت نهد و آفرینگان بخشنومین آن روز کند بنا آن کس کنند که میزد می‌فرماید و اول میوه که باشد بدست راست زوتی نهد، پس آفرینگان کند.» (هرمزدیار: ۳۶۱) بر این اساس می‌توان به نوعی از ارتباط میان ایزد رشن و فرآیند نثار فدیة اشاره کرد. همچنین مطابق بخشی از *شایست نشایست* (۲۲/۱۸) برای نام هر روز دعایی خاص وجود دارد. دعای خاص روز رشن چنین است که «رشتت پروانه (=راهنما و راهبر) به بهشت بامی (=روشن و درخشان) باد.»^۲ به علاوه در تعالیم مغان، به خویشکاری سی روزه ماه اشاره شده و گفته شده که در روز رشن، زندگی را به شادی گذار و به نیکی و دینداری آنچه خواهی کن. (زرت، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

« از طرف راستش سروش نیک مقدس سوار است، از طرف چپش رشن برومند بلندبالا سوار است، گرداگرد از هر طرف [فرشتگان] آب‌ها

و گیاهان و فروهرهای پاکان می‌تازند.» مهریشت- بند ۱۰۰.

² rašn-it parw nag baw d wahišt b m g

رشن در ودا، متون هندی باستان و عیلام/ایلام

رشن یکی از ایزدان اختصاصی ایرانی است و در وداها معادل مستقیمی ندارد. اما در یکی از محدود تلاش‌های جدی برای یافتن مشابهتی میان این ایزد با خدایان هندی، دومزیل کوشیده است رشنو را براساس ریشه‌شناسی واژگانی نادرست با ویشنو مرتبط سازد (دومزیل، ۱۹۵۳: ۱۱-۱۰). مالاندرا نیز با مقایسه کارکردهای ایزدان در متون ودایی و نیز ترکیب دوتایی (dvandva) میتره و ورونه، رشن را با ورونه مرتبط کرده است و ترکیب مهر و رشن در اوستا را یادآور ترکیب میتره- ورونه در وداها می‌داند. او با استناد به نام mitrīśn که از دوران پارتی باقی مانده است، می‌کوشد وجود ترکیب دوتایی این دو ایزد را نشان دهد. البته مالاندرا به نبود نام رشنو در زبان هندی باستان نیز اشاره کرده است و به کار رفتن نام‌هایی چون رشنوک (Rašnuka)، رشنودات (Rašnud ta) و رشنوبَر (Rašnubar(a)) در گل‌نیشته‌های باروی تخت جمشید را نشانه‌ای از تعلق رشنو به ایران باستان می‌داند. (Malandra, 1983: 78). با این حال، زَنر با استناد به یسن هفت‌ها و نیز ترکیب‌های دوتایی اهورا- میترا در مهر یشت، اهورا را با ورونه قابل مقایسه می‌داند و دیدگاه مالاندرا را در مقایسه میان رشنو و ورونه نمی‌پذیرد. از دید او ورونه ریگ ودا و اهورامزدای یسن هفت‌ها مشتقات هندی و ایرانی یک خدا به حساب می‌آیند. (زَنر، ۱۳۷۵: ۹۰-۹۲)

البته صرف نظر از وجوه زبانی، از منظر کارکردی می‌توان مشابهت‌هایی میان رشن و ورونه یافت. بویس در کتاب *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها* اشاره کرده است که

«نزد اقوام هندواروپایی قول و نگاه داشتن حرمت آن بسیار اهمیت داشته است. ظاهراً آنها قائل به دو قول بوده‌اند: یکی سوگند رسمی یا ورونه (احتمالاً از ریشه فعلی هندواروپایی *ver به معنی «بستن و گره زدن») که با ادای این سوگند، فرد خود را موظف به انجام دادن یا انجام ندادن کاری می‌کرد و دیگری توافق یا پیمان موسوم به میثره (احتمالاً از ریشه هندواروپایی *mei به معنی «مبادله کردن») که طرفین به وسیله آن بر سر چیزی با هم توافق می‌کردند. اقوام باستانی در قول‌هایی که بر زبان می‌راندند نیرویی پنهان می‌دیدند که این نیرو را به منزل ایزدی شناختند که شخصی را که پای حرف خود می‌ایستاد تأیید و تقویت می‌کرد و دروغ‌زن پیمان‌شکن را با انتقامی دهشتناک نابود می‌ساخت. این انتقام از طریق آزمایشی آیینی در معرض دید همگان قرار می‌گرفت و متهم برای اثبات حقانیتش ناچار بود به آزمایش آب (مربوط به سوگند) و آزمایش آتش (مربوط به پیمان) تن دهد.» (بویس، ۱۳۸۱: ۳۱)

به علاوه شباهت آزمایش‌های آیینی باستانی در هند به آیین ور و حضور رشن در این آیین نیز در خور توجه است. البته ورونه در آزمایش آب و میثره در آزمایش آتش حضور دارند و این دو ایزد داوران این آزمون سخت هستند. در حالی که کارکرد مرتبط با داوری ور در متون اوستایی و فارسی میانه بر عهده ایزد رشن است.

با آنکه کارکردهای رشن و اشتقاق واژگانی نام او به تمامی متعلق به ایرانیان است، اما حضور محوری سوگند در باورهای پیشین امکان ردیابی برخی از عناصر مندرج در تصویر ایزد رشن در دیگر چارچوب‌های یزدان‌شناسی را نیز فراهم می‌کند. به طور مثال، ترکیب سه‌گانه اینشوشینک، ایشنیکرب

و لگمل در میان ایزدان عیلامی/ایلامی از برخی جهات از یک سو یادآور همراهی رشن و مهر و از سوی دیگر رشن و ارشتات پس از مرگ است.^۱ جالب آن که اینشوشینک و ایشنیکرب خدای سوگند در عیلام/ایلام بوده‌اند و در محکمه به نام این دو ایزد سوگند می‌خورده‌اند. امری که آشکارا یادآور نقش رشن در محاکم زرتشتی است. به علاوه در باورهای مردم عیلام/ایلام، اینشوشینک سرور قلمرو مردگان نیز بوده است و ایزد بانو ایشنیکرب در جهان داوری نزدیک‌ترین دستیار اوست که به همراه ایزدبانو لگمل در دنیای مردگان به استقبال فرد درگذشته می‌روند (هینتس، ۱۳۸۷: ۵۷). این کارکرد نیز با نقش ویژه رشن در متون فارسی میانه شباهت قابل توجهی دارد. به علاوه در میان مردم عیلام/ایلام نیز داوری و ور وجود داشته که خدای رود شازی^۲ در نظام دادرسی آنها، عنوان «داور ور» را داشته است (هینتس، ۱۳۸۷: ۵۹). البته برای چنین مقایسه‌هایی منابع کافی در اختیار پژوهشگران نیست و نمی‌توان به صرف برخی شباهت‌ها از نزدیکی کامل این تصاویر سخن گفت.

شادروان مهرداد بهار به ارتباط میان ایزد مهر ایرانی و اینشوشینک اشاره کرده است. (بهار، ۱۳۷۶: ۱۹۰)

² Shazi

۲-۱. دست‌نویس‌های رشن یشت:

در تصحیح انتقادی متن اوستایی رشن یشت، گلدنر از ۱۰ نسخه خطی استفاده کرده است؛ این نسخه‌ها عبارتند از: F1، Pt1، E1، O3، P13، L18، K12، J18، J10، W2، M12 که مشخصات آنها به شرح زیر است:

F1 (نسخه رام جی فریدون جی مدن)^۱

دست‌نویس‌های یشت‌ها که دارای ۲۷۷ ورق است و در نوساری به دست آس‌دین کاکا از خاندان هرمزیار رامیار در سال ۱۵۹۱ میلادی نوشته شده است. این نسخه که با دقت بسیار تحریر شده کهن‌ترین دست‌نویسی است که همه یشت‌ها را در بردارد و از آنجا که اغلب نسخه‌های یشت‌ها از روی آن استنساخ شده از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. مطالب این نسخه مشتمل است بر الفبای اوستایی، نیرنگ‌های مقدماتی، نیایش‌های ۵-۱ و یشت‌های ۲۱-۱؛ سه ورق از این نسخه دارای متن‌های پازند است.

E1 (نسخه دال جی داراب جی رستم جی سنجانا)^۲

دست‌نویس خرده اوستا و یشت‌ها است که در دو جلد و ۵۴۲ ورق در سال ۱۶۰۱ میلادی در نوساری نوشته شده است. مطالب این نسخه مشتمل است بر الفبای اوستایی، نیرنگ‌های مقدماتی، نیایش‌ها، پت‌ها، نیرنگ‌ها، آفرینگان ۳-۱، یشت‌های ۲۱-۱، گاه‌ها، سی روزه‌ها، باژها و آفرینگان ریپثوین (که بعدها کاتب دیگری آن را به نسخه افزوده است).

Pt1 (نسخه پشوتن جی بهرام جی سنجانا، دستور بمبئی)^۳

دست‌نویس خرده اوستا همراه با متن کامل یشت‌ها است که در ۵۴۳ ورق تحریر شده است. ده ورق نخست دست‌نویس مفقود شده و بعدها شخص دیگری آن را تکمیل کرده است. این دست‌نویس در سال ۱۶۲۵ میلادی توسط هیرید داراب از اخلاف هرمزدیار رامیار تحریر شده است. مطالب این نسخه مشتمل است بر دعاهای مقدماتی، نیایش‌های ۵-۱، دعا ستایش، پت‌ها، پنج‌گاه، آفرینگان دهمان، گاتابیو، گاهنبار ریپثوین، آفرین‌ها به پازند، پاره‌هایی از اوستا، آفرین زردشت (ورق ۲۱۸)، نیرنگ‌ها و متن کامل یشت‌ها به ترتیب مرسوم.

¹ Geldner, *Prolegomena*, iii.

² Geldner, *Prolegomena*, ii.

³ Geldner, *Prolegomena*, xii.

O3 (آکسفورد، کتابخانه بادلین)^۱

دستنویس خرده اوستا (با امضای Frazer 258) در ۲۹۴ ورق است که در سال ۱۶۴۶ میلادی تحریر شده است. مطالب این نسخه مشتمل است بر الفبای اوستایی، نیایش‌های ۵-۱، آفرینگان دهمان، گاتها، گاهنبار، گاهنبار به پازند، گاه ۵-۱ و چند یشت از جمله یشت‌های هرمزد، امشاسپند، اردیبهشت، خرداد، گوش، سروش هادخت، رشن (ورق ۲۳۰)، بهرام، دین، اشتاد، هوم و وند است. این نسخه همچنین دربردارنده باژ، نیرنگ و پاره‌هایی از اوستاست.

P13 (نسخه کتابخانه ملی پاریس)^۲

این دستنویس شامل متن یشت‌ها و خرده اوستا در ۴۲۷ ورق است.

L18 (نسخه ایندیا آفیس لندن، مجموعه دوگیزه)^۳

این دستنویس مشتمل است بر خرده اوستا و یشت‌ها که پایان نسخه افتادگی دارد و شخص دیگری آن را تکمیل کرده است. این نسخه قدری آشفته و نامرتب است و ترتیب خاصی در آن به چشم نمی‌خورد. این آشفته‌گی‌ها احتمالاً مربوط به نسخه قدیمی‌تری است که کاتب پیش روی داشته و از روی آن نسخه خود را استنساخ کرده است. بخش کهن دستنویس دارای ۴۹۰ ورق است و مندرجات آن عبارتند از: الفبای اوستایی، دعا‌های مقدماتی، نیایش‌های ۵-۱، آفرینگان دهمان، گاهنبار، آفرینگان به پازند، گاه‌ها، یشت ۴-۱، پس از یشت ۴ در همان صفحه (ورق ۲۰۳) بلافاصله یشت ۱۱، ۱۱a و ۱۴؛ سپس در یک برگ جدید (ورق ۲۴۱) یشت ۵، بعد از آن یشت‌های ۱۰-۶، رشن یشت و فروردین یشت تا بند ۱۶؛ سپس در ورق ۳۸۵ بندهای ۱۲۳-۶۴ و بعد از آن بندهای ۸۹-۱۶ و بالاخره بندهای ۱۲۳ تا پایان این یشت آمده است؛ بعد از یشت ۱۳ نیز یشت‌های ۲۰ و ۲۱ جای گرفته است؛ پاره‌هایی از اوستا، دعا‌های کوتاه، یشت ۱۶، ۱۸، ۱۹ (که بخش زیادی از آن با دستخط شخص دیگری نوشته شده است) بقیه مندرجات این نسخه را تشکیل می‌دهد.

^۱ Geldner, *Prolegomena*, xii.

^۲ Geldner, *Prolegomena*, xii.

^۳ Geldner, *Prolegomena*, ix.

K12 (کتابخانه دانشگاه کپنهاگ)^۱

این دست‌نویس شامل خرده اوستا همراه با متن کامل یشت‌ها در ۳۷۸ ورق است. تاریخ کتابت آن سال ۱۸۰۱ میلادی است و مشتمل است بر دعاهای مقدماتی، نیایش‌ها، ویسپ هومت، ۵ گاه، ۲۲ یشت، آفرینگان‌ها، دو سی‌روزه. این نسخه بسیار نامرتب نوشته شده است و پایان آن چند برگ افتادگی دارد.

J10 (نسخه جاماسپ جی منوچهر جی جاماسپ آسانا، دستور بمبئی)^۲

این دست‌نویس شامل خرده اوستا و یشت‌ها در ۵۴۰ ورق است که تاریخ تحریر ندارد. این نسخه جدید است که با خط تزئینی و دقت کم نوشته شده است. مندرجات بخش‌های اوستایی این نسخه عبارت است از الفبای اوستایی، دعاهای مقدماتی، متن کامل نیایش‌ها و گاه‌ها، متن کامل یشت‌ها، سی‌روزه یشت (سی‌روزه ۱ و ۲)، آفرینگان ریثوین، آفرینگان گاهنبار، آفرینگان گاتها. علاوه بر این نسخه مذکور حاوی دعاهای بسیاری به پازند است.

W2 (مجموعه دکتر جان ویلسون)^۳

نسخه جدیدی از یشت‌های مختلف است که در ۳۹۴ ورق نوشته شده است. احتمالاً کاتب نسخه همان کسی است که نسخه K40 را استنساخ کرده است. مندرجات این نسخه مشتمل بر یشت‌های ۱، ۳، ۵، ۱۱a، ۱۲ و ۱۳ است.

M12 (دست‌نویس مانک جی لیم جی هاتریا در تهران)^۴

این دست‌نویس متأخر و شامل مجموعه‌ای از همه متن‌ها و قطعات اوستایی است که به الفبای فارسی جدید نوشته شده و بخش عمده آن از دست‌نویس‌های ایرانی فراهم آمده است.

¹ Geldner, *Prolegomena*, vii.

² Geldner, *Prolegomena*, v.

³ Geldner, *Prolegomena*, xiii.

⁴ Geldner, *Prolegomena*, xi